



بررسی آثار و نتایج سیاست های ارزی در

ایران و الزامات یکسان سازی نرخ ارز

کمیسیون بازار پول و سرمایه

دیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: بررسی آثار و نتایج سیاست‌های ارزی در ایران و الزامات یکسان‌سازی نرخ ارز

کمیسیون: بازار پول و سرمایه

تهیه کننده: رضا میرزا ابراهیمی

انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۴۹۵۶۲

دی ۹۵

فهرست مطالب

- ۳ - مقدمه.....
- ۴- نرخ ارز، سیاستهای ارزی و عملکرد اقتصادی.....
- ۴-۱- تجارت خارجی.....
- ۴-۲- تولید و اشتغال.....
- ۴-۳- تورم.....
- ۵- چرا یکسان سازی نرخ ارز مهم است؟.....
- ۶- سیاستهای ارزی، نرخ واقعی ارز و تاثیر آن بر تجارت خارجی در ایران.....
- ۶-۱- سیاست ارزی و عملکرد تجارت خارجی.....
- ۶-۲- نرخ واقعی ارز.....
- ۶-۳- بررسی تاثیر یکسان سازی نرخ ارز بر افزایش هزینه های تولید.....
- ۱۰- الزامات یکسان سازی نرخ ارز.....
- ۱۱-۱- دسترسی به منابع ارزی کافی.....
- ۱۱-۲- کنترل نرخ تورم.....
- ۱۲-۳- مدیریت کارآمد نوسانات نرخ ارز.....
- ۱۲-۴- انضباط مالی دولت و کاهش کسری بودجه.....
- ۱۳-۵- برقراری روابط کارگزاری و بانکی بین المللی.....
- ۱۳-۶- ایجاد بازار متشکل ارز.....
- ۱۳- تجربه دیگر کشورها در اتخاذ سیاستهای ارزی.....
- ۱۳- ویتنام.....
- ۱۴- چین.....
- ۱۴- آمریکا و انگلستان.....
- ۱۵- ژاپن.....
- ۱۶- نتیجه گیری.....
- ۱۷- فهرست منابع:.....

مسئله انتخاب نظام‌های مربوط به مدیریت نرخ ارز همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای مختلف بوده و بدیهی است که کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست. اینکه چرا موضوع مدیریت نرخ ارز تا این اندازه برای اقتصاد مهم است و حتی در برخی از موارد سیاست‌های ارزی کشورهای توسعه‌یافته مور توجه رقبای تجاری آنها قرار گرفته و در پاره‌ای موارد نیز ممکن است سیاست‌های داخلی آنها در زمینه تعیین نرخ ارز مورد اعتراض سایر کشورهای قرار گیرد به اهمیت موضوع نرخ ارز و میزان تاثیرگذاری آن بر عملکرد اقتصاد مربوط می‌شود.

به هر حال مسئله تعیین رژیم مناسب برای نرخ ارز در ردیف اولویت‌های سیاست‌گذاری کلان کشور قرار داشته و در کنار سیاست‌های پولی و مالی دولت می‌تواند بر نتایج واقعی اقتصاد تاثیرات بسیار مهمی بر جای بگذارد. از طرف دیگر نرخ ارز به عنوان متغیری که در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی نقش علامت‌دهی به فعالان اقتصادی را بر عهده دارد (همانند سایر قیمت‌های رایج در انواع مختلف بازار از قبیل بازار کالا و خدمات، بازار پول و بازار کار) بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و مصرف نیز تاثیرگذار است.

دستیابی به اهداف بهبود وضعیت تراز تجاری، رشد اقتصادی و کنترل تورم مستلزم اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی، پولی و ارزی مناسب و در عین حال هماهنگ است که در این میان تعیین نرخ بهینه ارز و اجرای سیاست‌های مناسب ارزی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. نامناسب بودن نرخ واقعی ارز و عدم تعادل‌های آن باعث بروز نوسانات در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌گردد. در بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران توافق رو به گسترشی وجود دارد که تثبیت نرخ واقعی ارز در سطح نامناسب (سطحی که با ارزش آن در تعادل بلندمدت تفاوت داشته باشد)، سبب کاهش چشمگیر در رفاه ملی می‌گردد. این عدم تعادل علائم نادرستی را در اقتصاد ایجاد می‌کند که در نهایت به عدم ثبات اقتصادی خواهد انجامید.

کشورهای مختلف عموماً در برخورد با موضوع تعیین نرخ ارز یا از مکانیسم بازار و نظام ارز شناور مدیریت شده تبعیت می‌کنند و یا به سمت نظام چند نرخ می‌شوند. در جمهوری اسلامی ایران نظام حاکم بر نرخ ارز برای سال‌های متمادی از نظام چند نرخ تبعیت کرده است و در واقع به‌جز تجربه دهه ۸۰ در زمینه یکسان‌سازی نرخ ارز که در انتهای این دهه با نظام چندنرخ جایگزین شد، در تمامی سال‌های دیگر اقتصاد ایران با نرخ‌های چندگانه ارز روبه‌رو بوده است. بررسی تجربه تاریخی مذکور در زمینه نظام مدیریت نرخ ارز به شیوه تثبیت نرخ ارز و حاکمیت نظام چندنرخ ارز در اقتصاد ایران نشان داده است که اهداف نهایی این نظام یعنی حمایت از تولید ملی و افزایش رفاه اجتماعی نه تنها به حقیقت نپیوسته است بلکه در برخی مواقع سیاست نظام چندنرخ ارز در کنار سیاست تضعیف عامدانه نرخ ارز، زمینه وقوع و تشدید بحران ارزی را فراهم آورده که در نتیجه آن آسیب‌های جدی نیز بر پیکره اقتصاد وارد آمده است. در واقع سیاست تضعیف عامدانه نرخ ارز در راستای تقویت ارزش پول ملی و همچنین تامین نیازهای وارداتی تنها به افزایش بیش از پیش واردات در دوران وفور درآمدهای ارزیانجامیده و در چنین شرایطی است که فعالان اقتصادی با وجود فضای نامساعد کسب‌وکار با رقابت نابرابری مواجه شده‌اند که نتیجه نهایی آن همانا تضعیف توان تولیدی اقتصاد ملی است.

در کنار این موضوع باید به این نکته نیز اشاره نمود که سیاست نظام چندنرخ ارز موجب ناکارایی اقتصاد و عدم تخصیص بهینه منابع، رواج فساد اقتصادی، رانت‌خواری و افزایش دیوان‌سالاری گسترده برای نظارت بر اجرای سیاست‌های مذکور خواهد شد. بنابراین ضرورت حرکت به سمت اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز و افزایش شفافیت در بازار ارز بر کسی پوشیده نیست. اما حرکت در این مسیر و دستیابی به اهداف تعیین شده نیازمند بررسی الزامات موفقیت طرح است که تا همزمان با فراهم نمودن الزامات اجرایی مذکور از بروز نوسانات عمده و در نتیجه شکست در سیاست‌گذاری فوق اجتناب نمود.

۲- نرخ ارز، سیاست‌های ارزی و عملکرد اقتصادی

بدون شک تعیین نرخ ارز و اعمال سیاست‌های ارزی در بعد اقتصاد کلان از جمله مهم‌ترین متغیرهایی به شمار می‌روند که ضمن برخورداری از نقش تعیین‌کننده در شکل‌دهی به تجارت خارجی و تراز بازرگانی، شاخص‌های تورم، اشتغال و تولید ملی را دستخوش تغییر و تحول قرار می‌دهند. اهمیت این امر برای کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً ایران که برای سال‌های متمادی به منابع حاصل از صادرات نفت وابسته بوده است، بیش از سایر کشورها خواهد بود. هر گونه انحراف در سیاست‌گذاری بهینه ارزی می‌تواند سیاست‌های توسعه اقتصادی را ناکام بگذارد و گاهی مواقع به از بین رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری بینجامد. سیستم‌های تعیین نرخ ارز و اثرات آن بر کاهش یا افزایش نرخ واقعی ارز می‌توانند از چندین کانال عملکرد اقتصادی یک کشور تحت تاثیر قرار دهند. در این زمینه باید به سه حوزه عمده تجارت خارجی (تراز بازرگانی)، تولید و تورم اشاره نمود که نرخ ارز از طریق آن‌ها به طور مستقیم عملکرد اقتصادی را با فرازو نشیب روبه‌رو خواهد نمود.

۲-۱- تجارت خارجی

در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، برخی از محققان از رشد تجارت خارجی و مخصوصاً گسترش صادرات به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی یاد کرده‌اند. توسعه و بهبود صادرات به نحو قابل ملاحظه‌ای از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی تاثیر می‌پذیرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه چرخش بزرگی را در سیاست‌های توسعه‌ای خود تجربه کردند. به طوری که اجرای سیاست جایگزینی واردات را به کناری نهاده و سیاست تشویق صادرات را در پیش گرفتند. یکی از ابزارهای مشوق صادراتی در این زمینه استفاده از استراتژی کاهش ارز پول ملی است. تنزل ارزش پول ملی در برابر سایر ارزهای خارجی در درجه اول با هدف افزایش صادرات و سپس به منظور تقویت قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی در برابر واردات کالاها از سایر کشورها صورت می‌گیرد. تاثیر اولیه کاهش ارزش پول، افزایش قیمت واردات و همچنین تقویت قدرت رقابت‌پذیری صادرات در بازارهای هدف است. در چنین حالتی ارزش عواید صادراتی بر حسب پول داخلی افزایش می‌یابد که این امر تاثیر زیادی بر افزایش انگیزه‌های صادراتی و در نتیجه بهبود اشتغال و تولید ملی خواهد داشت.

مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست کاهش ارزش پول داخلی (افزایش نرخ واقعی ارز) به منظور کاهش کسری تجاری نتیجه‌بخش خواهد بود. بنابراین می‌توان از سیاست ارزی به عنوان یک راهکار اصلی و عمده جهت رسیدن به اهداف افزایش رقابت‌پذیری، گسترش تجارت و بهبود در وضعیت تراز پرداخت‌های خارجی بهره برد. بنابراین در مجموع، افزایش نرخ واقعی ارز از طریق افزایش صادرات و کاهش واردات، به بهبود تراز تجاری کشور می‌انجامد و در مقابل کاهش نرخ واقعی ارز به تضعیف تراز تجاری منجر خواهد شد. گسترش سریع واردات در مقابل صادرات (غیرنفتی) و تضعیف تراز تجاری (غیر نفتی) در دهه هشتاد، نشانه آشکاری از اثر کاهش نرخ واقعی ارز بر تراز تجاری کشور است.

۲-۲- تولید و اشتغال

تعیین نرخ واقعی ارز به صورتی که از مقدار بهینه آن انحراف داشته باشد می‌تواند از کانال‌های مختلفی میزان تولید و اشتغال را تحت تاثیر قرار دهد. کاهش نرخ واقعی ارز در بلندمدت می‌تواند به عنوان یک عامل تشویق‌کننده واردات باشد و در نهایت به بلااستفاده ماندن بسیاری از ظرفیت‌های تولیدی منجر شده و میزان اشتغال را کاهش دهد. از طرف دیگر افزایش نرخ واقعی ارز می‌تواند از طریق افزایش قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی و همچنین کاهش انگیزه‌های وارداتی (به سبب افزایش قیمت واردات)، به افزایش تولید منجر گردد. در مورد تاثیرات تقلیل ارزش پول ملی بر تولید در کشورهای در حال توسعه، مطالعات مختلف از این بحث جانبداری کرده‌اند. به این صورت که کاهش ارزش پول سبب می‌شود صادرات از قدرت رقابت‌پذیری بیشتری برخوردار شده و این امر به نوبه خود و از طریق تاثیرات تکاثری به افزایش تولید منجر گردد. علاوه بر این در چنین شرایطی، گران‌تر شدن واردات و در نهایت جایگزینی کالاهای داخلی به جای واردات نیز تولید را افزایش می‌دهد. مجموعه این عوامل به افزایش تقاضا برای تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش تولید و اشتغال خواهد انجامید.

استدلالی که هموار از سوی منتقدان سیاست تنزیل ارزش پول ملی مورد استناد قرار می‌گیرد تاثیری است که این سیاست بر تورم ناشی از افزایش قیمت کالاهای وارداتی دارد. افزایش نرخ ارز به طور مستقیم از طریق بالا رفتن قیمت کالاهای مصرفی و به طور غیرمستقیم از طریق بالاتر رفتن قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای موجبات بروز تورم را فراهم خواهد نمود. در عین حال تمایل به تثبیت نرخ ارز و حفظ این نرخ در یک سطح اسمی معین در بلندمدت ممکن است به کاهش نرخ واقعی ارز منجر گردد. البته واضح و مبرهن است که کاهش نرخ واقعی ارز در شرایط تورمی، شدیدتر خواهد بود. گاهی مواقع استفاده از ابزار کنترل نرخ ارز در سطح معین به عنوان ابزار مهار تورم جلوه کرده است. چنین وضعیتی شاید برای کشوری مانند ایران مصداق عینی‌تری داشته باشد. در ایران سال‌هاست که استفاده از ابزار نرخ ارز و پایین نگه‌داشتن نرخ واقعی آن در حکم سیاست‌های جبرانی برای مهار تورم ناشی از اجرای سیاست‌های ناصحیح پولی و مالی و رشد بعضاً نامتعارف نقدینگی عمل کرده است.

از طرف دیگر باید خاطر نشان نمود که تاثیر افزایش نرخ ارز بر تورم داخلی، بستگی زیادی به ماهیت واردات و میزان وابستگی تولید ملی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دارد. عموماً سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و تنزل ارزش پول ملی از طریق افزایش هزینه‌های واردات و تولید به افزایش تورم وارداتی منجر خواهد شد که البته دامنه تاثیرگذاری آن بستگی به سیاست‌های مکملی دارد که سیاست‌گذار باید برای کنترل تورم اتخاذ نماید. ضمن اینکه نباید از خاطر برد که این‌گونه تروم‌ها پایدار نیستند و عمر آنها حداکثر برای دوره اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز خواهد بود.

۳- چرا یکسان‌سازی نرخ ارز مهم است؟

اینکه چرا برخی از کشورها از جمله ایران از نظام چند نرخ ارز پیروی می‌کنند دلایل مختلفی دارد که عمده‌ترین دلایل آن استفاده ابزاری از این مسئله برای پوشش نتایج منفی سیاست‌های ناکارآمد مالی و پولی از جمله مقابله با تورم فزاینده داخلی از طریق واردات ارزان قیمت است. «علاوه بر الزامات خاص اقتصادی در زمان‌ها شوک‌های داخلی و خارجی، دلائل دیگری از جمله حمایت از صنایع داخلی و توزیع درآمد و جهت‌دهی امکانات به سوی مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی خاص زمینه اعمال سیاست‌های ارزی چند نرخ می‌شوند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که تأثیرپذیری سیاست ارزی چند نرخ بین ۶ تا ۹ ماه بوده و طولانی شدن آن آثار نامطلوبی به لحاظ اعمال محدودیت‌های ارزی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و سهمیه‌بندی واردات و پیمان‌سپاری صادرات برای اقتصاد به همراه خواهد داشت. تجربه کشورهای مختلف نیز بیانگر این است که نرخ‌های ارز چندگانه در هیچ کشوری به عنوان یک نظام کارآمد و پایدار مورد استفاده قرار نگرفته است. بلکه به صورت مقطعی و به منظور رفع عدم تعادل در تراز پرداخت‌ها و در شرایط حاد تورمی به کارگرفته شده است»^۱.

به عبارت دیگر تجربه‌های تاریخی اقتصاد چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی نشان داده است که هر گاه قیمت‌ها در بازارهای مختلف از مسیر خود منحرف شده و یا به عبارت دیگر با اعمال سیاست‌های مختلف، قیمت‌ها در سطحی پایین‌تر از نرخ تعادلی خود تثبیت شوند زمینه‌های ایجاد رانت، فساد، عدم کارایی و در نهایت تخصیص غیربهبینه منابع گسترش خواهد یافت. این موضوع به درستی در بازار ارز ایران مشاهده شده است به گونه‌ای که هر گاه نظام چند نرخ بر اقتصاد حاکم بوده است، استفاده از فرصت‌های رانتی از یک طرف و کاهش توان تولید داخلی از طرف دیگر (به واسطه افزایش واردات)، اقتصاد کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده‌اند. بنابراین اصل یکسان‌سازی نرخ ارز برای اقتصاد ایران اصلی اجتناب‌ناپذیر است و با اجرای این سیاست می‌توان به افزایش کارآمدی اقتصادی و حذف زمینه‌های فساد امیدوار بود. افزایش تدریجی رابطه مبادله (نسبت شاخص قیمت کالاهای صادراتی به شاخص قیمت کالاها وارداتی) در سنوات گذشته که با افزایش قیمت کالاهای صادراتی در نتیجه بروز نرخ‌های تورمی فزاینده و تثبیت نرخ ارز به نفع واردات پدید آمده، باعث شده است که در سال‌های منتهی به دهه ۹۰ با پدیده افزایش بی‌رویه واردات و در نتیجه تحلیل توان تولید داخلی روبه‌رو شویم.

از طرف دیگر وجود نرخ‌های چندگانه ارز باعث ایجاد فرصت‌هایی برای رانت‌جویی می‌شود که در نتیجه آن ذخایر ملی ارز برای واردات کالاهای خارج از اولویت و یا استفاده از شکاف‌های قیمتی بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار آزاد برای سودجویی می‌شود. شاهد این مدعا خبرهایی است

^۱- مجرد، محمد جعفر، یکسان‌سازی نرخ ارز، بیست و پنجمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۴.

که در مورد واردات خودروهای لوکس با ارز دولتی منتشر شده است. مرور نوسانات نرخ ارز طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که در ایران به واسطه سیاست‌های متفاوتی که در زمینه تعیین نرخ ارز وجود داشته است (اعمال نرخ‌های چندگانه ارز و سیاست تثبیت نرخ ارز) موضوع یکسان‌سازی نرخ ارز جز در نیمه اول دهه ۸۰ به درستی به اجرا درنیامده است. سیاست تثبیت نرخ ارز و عدم تضعیف ارزش پول ملی به تناسب اختلاف نرخ‌های تورم داخلی و خارجی در واکه دهه ۸۰ و با تشدید تحریم‌های بین‌المللی بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های زیادی را بر اقتصاد تحمیل نمود. به هر حال اگر یکسان‌سازی نرخ ارز را به معنی حذف نرخ‌های چندگانه ارز و تعیین نرخ ارز در محدوده‌ای متناسب با شرایط بازار آزاد و البته تامین‌کننده اهداف اقتصاد کلان یعنی و رشد اقتصادی و تامین رفاه عمومی بدانیم آنگاه درخواهیم یافت که تنها در سال‌های معدودی در این مسیر گام برداشته شده است.

یکی از اثرات جانبی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و در نتیجه افزایش شفافیت در اقتصاد، همانا کمک به ایجاد فضایی روشن برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص ورود به بازارهای سرمایه‌گذاری ایران می‌باشد. بدیهی است در شرایطی که سرمایه‌گذار خارجی چشم‌انداز تقریباً با ثباتی از نرخ ارز داشته باشد و خود را در برابر خطر نوسانات شدید نرخ ارز محفوظ بداند آنگاه با اطمینان خاطر بیشتری تصمیم به سرمایه‌گذاری خواهد نمود. چنین استدلالی برای سرمایه‌گذاران داخلی هم صادق است و در صورت حاکم بود چنین فضایی، فعالان اقتصادی می‌توانند برای تولید در بلندمدت برنامه‌ریزی کرده و از افزایش ناگهانی هزینه‌های تهیه ماشین‌آلات خارجی در نتیجه نوسانات غیرمنتظره نرخ ارز در امان باشند. موضوع دیگری که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز می‌توان انتظار تحقق آن را داشت موضوع کمک به رشد صادرات است. تعیین نرخ ارز بر مبنای مکانیسم بازار آزاد و در محدوده‌ای که انگیزه رشد تولید ملی را افزایش دهد باعث افزایش صادرات شده و از طرف دیگر با کاهش واردات زمینه تحریک تولید داخلی را فراهم خواهد نمود. به عبارت دیگر نتیجه کلی این سیاست بهبود رابطه مبادله به نفع افزایش تولید داخلی و افزایش اشتغال می‌باشد که در شرایط فعلی و برای خروج از رکود بسیار حائز اهمیت است.

۴- سیاست‌های ارزی، نرخ واقعی ارز و تاثیر آن بر تجارت خارجی در ایران

۴-۱- سیاست ارزی و عملکرد تجارت خارجی

در طول سال‌های گذشته یک نظرگاه اصلی که همیشه در بین سیاستگذاران اقتصادی ایران حاکم بوده این است که کاهش ارزش پول ملی به معنای تضعیف قدرت اقتصادی در عرصه بین‌المللی قلمداد می‌شده است. سیاست تثبیت نرخ ارز در سال‌های گذشته علی‌رغم حاکمیت نظام نرخ شناور مدیریت شده با هر دلیلی که اتخاذ شده باشد در نهایت به ارزان‌تر شدن کالاهای وارداتی در مقایسه با کالاهای تولید شده داخلی و گران‌تر شدن نسبی کالاهای صادراتی انجامیده است. پیامد چنین سیاستی برای سال‌های متمادی به وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد داخلی به صادرات نفت خام و همچنین بزرگ‌تر شدن تراز تجاری منفی به نفع رقبای خارجی شده است. در گذر زمان و با اتخاذ سیاست عدم تغییر نرخ ارز رفته‌رفته شمار بیشتری از تولیدات داخلی در برابر واردات کالاهای مشابه قدرت رقابت‌پذیری خود را از دست داده و به مرز تعطیلی کشانده شده‌اند.

جدول (۱): وضعیت تجارت خارجی کالایی در ایران (۱۳۸۶-۹۴)

سال	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶
واردات کالا (میلیون دلار)	۵۰،۱۸۶	۶۱،۱۳۱	۶۰،۳۲۱	۶۶،۰۸۲	۷۲،۰۰۳	۶۸،۶۷۰	۶۲،۶۴۹	۶۲،۳۶۰	۵۱،۹۹۲
صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	۳۱،۰۲۸	۳۱،۱۱۹	۲۸،۳۶۹	۲۹،۲۱۳	۲۶،۶۵۶	۲۲،۵۹۶	۱۸،۳۶۹	۱۴،۶۷۰	۱۳،۱۶۲
تراز بازرگانی (بدون نفت و گاز)	-۱۹،۱۵۸	-۳۰،۰۱۲	-۳۱،۹۵۲	-۳۶،۸۶۹	-۴۵،۳۴۷	-۴۶،۰۷۴	-۴۴،۲۸۰	-۴۷،۶۹۰	-۳۸،۸۳۰
نسبت تراز بازرگانی به صادرات کالاها	۰/۶۲	۰/۹۶	۱/۱۳	۱/۲۶	۱/۷	۲	۲/۴	۳/۲۵	۲/۹۵

مآخذ: نماگرهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

همان طوری که در جدول فوق نیز قابل مشاهده است در اواخر دهه هشتاد به دنبال سیاست تثبیت نرخ ارز (برخلاف سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز) از یک طرف و افزایش تورم داخلی از طرف دیگر، تمایل برای افزایش واردات بیشتر شده و در واقع اقتصاد با سیل بی‌رویه واردات کالاهای خارجی روبه‌رو بوده است. این در حالی است که قیمت پایین دلار در این مقطع قدرت رقابت‌پذیری فعالان اقتصادی در برابر رقبای خارجی را

کاهش داده بود. هرچند صادرات کالایی نیز در این مقطع با رشد خوبی مواجه بوده است اما نباید فراموش کرد که عمده افزایش صادرات در این مقطع به افزایش صادرات محصولات پتروشیمی برمی‌گردد که سهم قابل توجهی در رشد صادرات غیرنفتی داشته است. به عنوان مثال ارزش صادرات محصولات پتروشیمی از ۹/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۹ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت. بهره‌مندی صنایع پتروشیمی از منابع انرژی ارزان قیمت زمینه لازم را برای افزایش صادرات این صنایع فراهم آورده بود.

با وقوع نوسانات شدید ارزی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و افزایش قیمت کالاهای وارداتی و همچنین تحریم‌های شدید بین‌المللی زمینه کاهش واردات فراهم شد به طوری که حجم واردات در پایان سال ۱۳۹۴ نسبت به پایان سال ۱۳۹۱ به میزان ۱۶ میلیارد دلار کاهش یافته است. اگر چه همه این کاهش‌ها را نمی‌توان به موضوع واقعی شدن نرخ ارز نسبت داد اما افزایش نرخ ارز حداقل از تشدید واردات کاسته است. از سوی دیگر اثر مثبت دیگر واقعی شدن نرخ ارز و همچنین ثبات حاکم بر بازار را می‌توان در افزایش صادرات ملاحظه کرد که علی‌رغم کاهش شدید قیمت‌های جهانی کالاها (فلزات پایه و محصولات پتروشیمی) همچنان رو به افزایش بوده است.

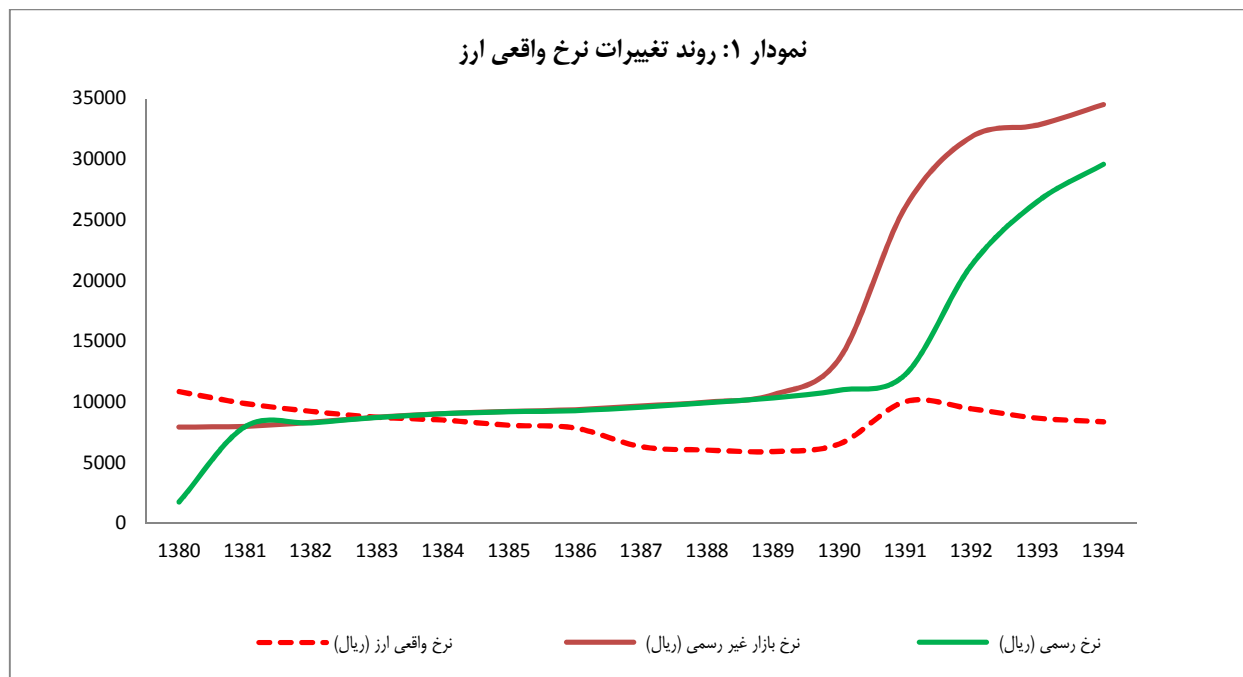
به دنبال افزایش نرخ ارز مرجع و سپس ایجاد مرکز مبادلات زمینه برای افزایش تدریجی نرخ ارز رسمی فراهم شد و در شرایط فعلی نیز اختلاف بین نرخ ارز مبادله‌ای و نرخ ارز بازار تا حد قابل قبولی کاهش یافته است. بنابراین به درستی می‌توان گفت که حرکت به سمت اجرای سیاست یکسان‌سازی شاید از مدت‌ها قبل آغاز شده است اما گام نهایی و اعلام رسمی آن نیازمند فراهم شدن الزاماتی است که در ادامه خواهد آمد.

۴-۲- نرخ واقعی ارز

یک مسئله قابل توجهی که در طول سال‌های گذشته و به واسطه سیاست غیرمعمول ارزی به وجود آمده است موضوع کاهش نرخ واقعی ارز است. نرخ واقعی ارز به علت اینکه با نسبت قیمت‌های جهانی به قیمت‌های داخلی تعدیل شده است می‌تواند نمایان‌گر وضعیت روشن‌تری از واقعیت‌های اقتصادی ایران در برابر اقتصاد جهانی باشد. نرخ واقعی ارز برخلاف نرخ تعادلی ارز که اغلب تحت تاثیر سیاست‌های مالی دولت و مداخلات بانک مرکزی به عنوان عرضه‌کننده انحصاری ارز در بازار است، نماینده مناسب‌تری از وضعیت اقتصاد ایران در برابر اقتصاد جهانی خواهد بود. نرخ‌های ارز که در بازار آزاد ارز تعیین می‌شوند از عملکرد واقعی اقتصاد داخلی و همچنین عرضه ارز توسط صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی کمتر متأثر شده‌اند و بیشتر تابع سیاست‌های بانک مرکزی هستند. البته پرواضح است که این سیاست‌ها به علت وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و همچنین بی‌ثباتی این درآمدها از دوام و استحکام چندانی برخوردار نخواهند بود.

همان طوری که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است در طول دهه ۸۰ و به دنبال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، نرخ واقعی ارز در محدوده ثابتی در نوسان بوده است اما از اواخر این دهه و به دنبال اعمال سیاست‌های تورمی افزایش حجم نقدینگی و در نتیجه فاصله گرفتن تورم داخلی از تورم جهانی، نرخ واقعی ارز رو به کاهش گذاشته و از نرخ رایج بازار فاصله گرفت. سپس در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به واسطه افزایش نرخ ارز این روند متوقف و نرخ واقعی ارز افزایش یافته و به متوسط نرخ بلندمدت خود نزدیک شده است. اما همان طوری که در نمودار قابل مشاهده است در طول دو سال گذشته نیز به واسطه کاهش سطح قیمت‌های جهانی و در نتیجه تورم پایین‌تر خارجی نسبت به تورم داخلی، نرخ واقعی ارز کمی کاهش یافته است. بر مبنای نمودار ذیل اگرچه نرخ اسمی ارز در حال حاضر نسبت به پایان سال ۱۳۹۰ دو برابر افزایش یافته است اما نرخ واقعی ارز تنها ۵۰ درصد رشد کرده است و این امر بیانگر پتانسیل نرخ فعلی ارز برای افزایش بیشتر از سطوح فعلی می‌باشد. علت عمده کاهش نرخ ارز واقعی، تورم‌های فزاینده داخلی است و بنابراین برای پرهیز از نوسانات رو به بالای نرخ ارز در صورت اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، باید بیش از پیش بر سیاست کنترل نرخ تورم و رعایت انضباط مالی دولت تاکید نمود.

نمودار ۱: روند تغییرات نرخ واقعی ارز



۳-۴- بررسی تاثیر یکسان سازی نرخ ارز بر افزایش هزینه های تولید

بسیاری از منتقدان سیاست کاهش ارزش پول ملی همواره وابستگی اقتصاد ایران به حجم بالای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را یکی از موانع اصلی فراروی اثرگذاری سیاست تنزیل ارزش پول بر افزایش صادرات ذکر کرده‌اند. با این استدلال که افزایش نرخ ارز و یا تضعیف ارزش پول ملی به افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که در جریان تولید داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند انجامیده و از این رهگذر به دامنه تورم داخلی خواهد افزود که در نهایت بازندگان اصلی این سیاست هم صادرکنندگان و هم مصرف‌کنندگان خواهند بود. بنابر آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ به طور متوسط ۸۶ درصد از کالاهای وارداتی را کالاهای واسطه‌ای (۷۰ درصد) و سرمایه‌ای (۱۶ درصد) تشکیل می‌داده‌اند که البته این موضوع برای سال‌های گذشته نیز صادق بوده است.

جدول (۲): ترکیب کالاهای وارداتی ایران بر حسب نوع آن (مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای)

۱۳۹۲		۱۳۹۳		۱۳۹۴		پنج ماهه ۱۳۹۵		نوع کالا (ارزش بر حسب میلیون دلار)
درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	
۱۴/۸	۷,۱۴۲	۱۸	۹,۱۷۳	۱۸/۵	۷,۳۸۸	۲۰/۸	۳,۳۱۱	کالاهای سرمایه‌ای
۶۹/۹	۳۳,۶۵۱	۶۸	۳۴,۸۵۴	۶۷/۹	۲۷,۰۷۷	۶۲/۷	۹,۹۵۲	کالاهای واسطه‌ای
۱۵/۳	۷,۳۶۸	۱۴	۶,۹۷۰	۱۳/۶	۵,۴۰۵	۱۶/۵	۲,۶۱۳	کالاهای مصرفی
۱۰۰	۴۸,۱۶۱	۱۰۰	۵۰,۹۹۷	۱۰۰	۳۹,۸۷۰	۱۰۰	۱۵,۸۷۶	جمع

ماخذ: سازمان توسعه تجارت ایران، گزارش‌های سالانه عملکرد تجارت خارجی کشور (۱۳۹۲-۹۴).

درست بر همین اساس است که استدلال می‌شود افزایش نرخ ارز اگر چه در کوتاه‌مدت باعث بهبود تراز بازرگانی می‌شود اما در بلندمدت اثرات مثبت آن به واسطه بروز شرایط تورمی و همچنین افزایش رابطه مبادله از بین خواهد رفت. در اینجا ذکر این واقعیت ضروری است که به صرف دسته‌بندی یک کالای خاص در گروه کالاهای واسطه‌ای نمی‌توان نسبت به واردات آن بی‌تفاوت بود. واردات کالاها از هر نوعی که باشد در صورت داشتن محصول رقیب و مشابه داخلی در نهایت به کاهش اشتغال، ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری در کشور خواهد انجامید. در جدول زیر نمونه‌ای محدود و تصادفی از کالاهای وارداتی آورده شده و تفکیک ماهیت مصرفی، واسطه‌ای یا سرمایه‌ای بودن آن مشخص شده است. این جدول نشان می‌دهد که صرف بالا بودن سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دلیل بر اهمیت و نقش برجسته این کالاها در افزایش تولید

داخلی و ضرورت واردات آن‌ها برای تقویت رشد پایدار تولید ملی نیست و چه بسا ورود بعضی از آن‌ها موجبات کاهش تولید و سرمایه‌گذاری و خروج بعضی از تولیدکنندگان از فعالیت‌های تولیدی را فراهم نموده است.

جدول (۳): تفکیک ارزشی چند نمونه از کالاهای وارداتی بر حسب نوع و ماهیت کالا

کد تعرفه	نام کالا	سهام سرمایه‌ای	سهام واسطه‌ای	سهام مصرفی
۱۱۰۱۰۰۰۰	آرد گندم یا آرد مخلوط گندم	%۰	%۹۰	%۱۰
۱۴۰۱۱۰۰۰	بامبو	%۰	%۱۰۰	%۰
۱۵۰۹۱۰۰۰	روغن زیتون بکر	%۰	%۱۰۰	%۰
۳۶۰۱۰۰۰۰	باروت	%۰	%۱۰۰	%۰
۳۸۰۸۴۰۱۰	گندزداه به صورت محصول آماده	%۰	%۱۰۰	%۰
۴۹۰۱۹۱۰۰	فرهنگ لغات و دایره المعارف حقیقیه صورت جزء جزء	%۵۰	%۰	%۵۰
۵۵۱۳۳۱۰۰	پارچه ساد هتار و پود بیان خرن گارنگ	%۰	%۱۰۰	%۰
۷۲۳۳۰۰۰۰	مفتول از فولاد زنگ نزن	%۰	%۱۰۰	%۰
۸۲۰۲۱۰۰۰	اره دستی	%۹۰	%۰	%۱۰
۸۴۸۱۹۰۳۰	اجزاء و قطعات شیرآلات چدن نیوفولادی	%۰	%۱۰۰	%۰
۸۵۰۴۴۰۲۰	شارژر باتری	%۸۰	%۲۰	%۰
۹۰۰۶۵۲۰۰	دوربین عکاسی	%۷۰	%۰	%۳۰

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

همان طوری که ملاحظه می‌شود در مورد بعضی از کالاهای وارداتی مانند اهره دستی قسمت اعظم ارزش آن‌ها در گروه کالاهای سرمایه‌ای دسته‌بندی شده است. لذا مبنای قضاوت قرار دادن سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به منظور دفاع از سیاست عدم تغییر نرخ ارز می‌تواند اندکی گمراه‌کننده باشد. در جدول زیر فهرست ده قلم عمده کالاهای وارداتی در سال ۱۳۹۴ آمده است. بررسی دسته‌بندی این کالاها بیانگر این است که عمده این کالاها بنا بر تعاریف رایج در گمرک ج.ا.ا. در زمره کالاهای واسطه‌ای جای می‌گیرند در حالی که برخلاف تصور و برخلاف ذهنیتی که در خصوص کالاهای واسطه‌ای وجود دارد این کالاها در پروسه‌های تولید صنایع و جهت تولید کالاهای صنعتی (به جز ردیف دوم) مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

جدول (۴): فهرست ده قلم عمده کالاهای وارداتی در سال ۱۳۹۴

رتبه در سال ۹۴	کد تعرفه	عنوان کالاها	ارزش واردات در ۹۴ (میلیون دلار)	درصد سهم ارزشی از کل واردات	درصد تغییرات ارزش نسبت به سال ۹۳
۱	۱۰۰۵	انواع ذرت	۱۴۲۷	۳.۴	-۱۹
۲	۹۸۸۷	قطعات منفصله خودروهای سواری	۱۲۹۵	۳.۱	-۱۰
۳	۸۷۰۳	خودروهای سواری	۱۲۳۳	۳.۰	-۴۲
۴	۳۰۰۴	داروها	۹۹۷	۲.۴	۶
۵	۷۲۲۵	محصولات تخت نورد شده از فولاد ممزوج	۹۳۷	۲.۳	۴۶۷
۶	۱۰۰۱	انواع گندم	۸۸۶	۲.۱	-۶۳
۷	۸۵۱۷	دستگاه‌های تلفن و مودم	۸۵۷	۲.۱	-۳۴
۸	۸۴۷۴	ماشین آلات و دستگاه‌های جور کردن، غربال کردن، جدا کردن، شستن، خرد کردن	۷۵۶	۱.۸	-۱۶
۹	۱۲۰۱	لوییای سویا	۷۲۸	۱.۸	۲۹۱
۱۰	۱۰۰۶	برنج	۶۸۰	۱.۶	-۵۲
		جمع ده قلم	۹۷۹۷	۲۴	-۲۲

ماخذ: سازمان توسعه تجارت ایران، گزارش عملکرد تجارت خارجی کشور، ۱۳۹۴.

اگر این موضوع به درستی مورد بررسی قرار گیرد در خواهیم یافت که بسیاری از کالاهایی که در زمره کالاهای واسطه‌ای دسته‌بندی می‌شوند در واقع مصرفی هستند اما به دلیل واردات روزافزونی که به مدد سیاست‌های نادرست اقتصادی گذشته صورت پذیرفته است توجیه اقتصادی خود را از دست داده‌اند. لذا در چنین شرایطی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز می‌تواند ضمن حمایت از تولید داخلی قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان را افزایش داده، انگیزه‌های صادراتی را ارتقاء بخشیده و از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی زمینه استفاده حداکثری از سرمایه‌های موجود را فراهم نماید.

البته با توجه به اهمیت این موضوع بود که در قانون برنامه پنجم و در بند (ج) ماده ۸۱ پیش‌بینی شده است که با استفاده از نظام ارزی «شناور مدیریت شده»، نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین گردد. تصویب این بند در قانون برنامه پنجم و در ذیل مواد مربوط به سیاست‌های ارزی از این قابلیت برخوردار است که زمینه رقابتی‌تر کردن محصولات داخلی و تعدیل نرخ واقعی ارز را فراهم کند.

۵- الزامات یکسان‌سازی نرخ ارز

رژیم‌های ارزی عموماً در سه دسته ثابت، چند نرخ و شناور جای می‌گیرند و در ایران رژیم نرخ شناور مدیریت شده ارز حاکم بوده که در آن مقامات پولی با دخالت در بازار و مدیریت آن سعی در کنترل عرضه و تقاضای بازار و در نتیجه هدایت نرخ ارز به سمت سطوح مورد نظر را دارند. سیاست یکسان‌سازی نرخ در اقتصاد ایران در دو مرحله تجربه شده است. در اولین تجربه که به سال ۱۳۷۲ برمی‌گردد، سیاست مذکور به علت تلاطمات اقتصادی به وجود آمده بیش از چند ماه دوام نیاورد و نظام ارزی مجدداً به نظام چندنرخ ارز بازگشت. به دنبال این تجربه و از اواخر دهه ۷۰، اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری کشور با هدف تسهیل تجارت و مقررات‌زدایی از بخش خارجی اقتصاد و یکسان‌سازی نرخ ارز آغاز شد و به دنبال بسترسازی‌های مناسب در سال‌های قبل، برای دومین بار سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ با موفقیت اجرا و نظام ارزی کشور «شناور مدیریت شده» اعلام گردید. اما این سیاست به تدریج و به علت عدم رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای توسط دولت، سیاست تثبیت و تقویت غیرواقعی نرخ ارز، کم‌اثر شدن نقش بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار پولی و ارزی در اقتصاد کشور و در نهایت تشدید تحریم‌های بین‌المللی عملاً از مسیر اصلی خود منحرف و پس از بروز نوسانات شدید ارزی، نظام ارزی کشور به نظام چند نرخ ارز بازگشت.

جدول (۵): دلایل موفقیت و شکست یکسان‌سازی نرخ ارز در تجربه‌های قبلی اجرای این سیاست

ردیف	دلایل موفقیت یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱	دلایل شکست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲
۱	اتخاذ سیاست پولی انقباضی و کاهش تورم	سیاست مالی انبساطی
۲	انضباط مالی و کاهش کسری بودجه از جمله ایجاد ردیف بودجه‌ای تحت عنوان مابه‌التفاوت نرخ ارز کالاهای یارانه‌ای	عدم هماهنگی لازم در اعمال سیاست‌های اقتصادی در بخش‌های گوناگون
۳	فقدان کسری تراز پرداخت‌ها	کسری تراز پرداخت‌ها قبل از یکسان‌سازی
۴	ایجاد بسترهای قانونی لازم از جمله ساده‌سازی مقررات ارزی	عدم توجه به ترتیب و توالی سیاست‌های اقتصادی
۵	کاهش بدهی‌های خارجی و اصلاح مدیریت آن	فقدان بستر و شرایط کلان اقتصادی مناسب برای اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز
۶	انباشت ذخایر ارزی و بهبود مدیریت آن	کاهش شدید درآمدهای نفتی و عدم پیش‌بینی نحوه مقابله با بروز احتمالی شوک‌های قیمتی منفی در بازار نفت
۷	ایجاد حساب ذخیره ارزی، تامین ریالی مابه‌التفاوت نرخ ارز تعهدات ارزی کوتاه‌مدت سررسید شده از محل این حساب و خنثی کردن آثار انبساطی افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با کاهش مشابه در بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ج.ا.ا.	کافی نبودن ذخایر ارزی
۸	جابجایی تدریجی اقلام وارداتی مشمول نرخ ارز دولتی به نرخ ارز بازار آزاد	بدهی‌های تسویه نشده خارجی که سررسید شده بودند
۹	اتخاذ نظام شناور مدیریت شده ارز	عدم وجود یک بازار متشکل و رسمی با تجربه و آماده
۱۰	ایجاد بازار بین بانکی ارز پس از تشکیل کمیته‌های شش‌گانه شامل ۱- کمیته راهبردی، ۲- کمیته تدوین مقررات ارزی، ۳- کمیته نظارت و تدوین دستورالعمل‌های	-

ماخذ: محمد جعفر مجرد، یکسان‌سازی نرخ ارز، بیست و پنجمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۴.

بر مبنای تجربیات گذشته و برای تضمین موفقیت اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، فراهم آوردن الزامات اجرای طرح ضروری است تا تجربیات تلخ گذشته تکرار نشود. دسترسی به منابع کافی ارز، برقراری ارتباط با بانک‌های خارجی، ثبات اقتصادی، کنترل تورم و تداوم سیاست پولی انقباضی، ایجاد انضباط مالی دولت، سازگاری سیاست‌های پولی، مالی و تجاری و ... از جمله این الزامات است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۱-۵- دسترسی به منابع ارزی کافی

یکی از نتایج بسیار خوب و غیرقابل انکاری که حصول توافق هسته‌ای برای اقتصاد ایران در پی داشت، موضوع تسهیل فرایند بازگشت دوباره ایران به عرصه تجارت جهانی بوده است. بازگشت دوباره اقتصاد ایران به تجارت خارجی در واقع زمینه دستیابی به منابع ارزی حاصل از صادرات کالا و خدمات را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. اگر چه بعد از حصول توافق هسته‌ای ما شاهد افزایش تجارت خارجی و بهبود تراز تجاری کشور بوده‌ایم اما نباید فراموش کنیم که هنوز محدودیت‌هایی در خصوص استفاده از دلار در تبادلات بین‌المللی (در قالب U-Turn) برای ایران وجود دارد و ارتباطات کارگزاری با بانک‌های تراز اول جهان برقرار نیست. این امر به معنای عدم دسترسی آزادانه ایران به منابع ارزی دلاری بلوکه شده خود در خارج از کشور است. همین امر می‌تواند به عنوان یک محدودیت قابل توجه در جریان یکسان‌سازی نرخ ارز و در نتیجه آسیب‌پذیری در تحقق اهداف نهایی این طرح می‌باشد.

از طرف دیگر به علت برخی مشکلات سیاسی و حقوقی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هنوز قادر نیست به تمامی منابع ذخیره‌ای ارزی خود دسترسی داشته باشد. برخی از کشورهایی که ذخایر ارزی ایران در آن کشورها سپرده‌گذاری شده یا ایران از آنها بابت فروش نفت یا وام پرداختی طلب دارد، در حال حاضر از نظر شرایط اقتصادی در وضع مطلوبی قرار ندارند یا اینکه نمی‌توانند این مبالغ هنگفت را به علت محدودیت استفاده از دلار به سرعت به ایران پرداخت کنند و در نتیجه بانک مرکزی دسترسی کامل به ذخایر ارزی خود ندارد و ناگزیر است در مدیریت ارز در صورت یکسان‌سازی جانب احتیاط را رعایت کند.^۲

۲-۵- کنترل نرخ تورم

یکی از نگرانی‌های اصلی منتقدان سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در شرایط فعلی، موضوع تأثیری است که کاهش ارزش پول ملی در نتیجه یکسان‌سازی نرخ ارز بر تورم دارد. اقتصاد ایران به علت وابستگی به واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای از سیاست‌های ارزی تأثیرپذیر بوده و افزایش نرخ ارز از طریق کانال افزایش تورم وارداتی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین ممکن است که اقتصاد در کوتاه‌مدت و در مراحل اولیه اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز با افزایش احتمالی قیمت مواجه شود اما به طور قطع قیمت‌ها به تدریج به ثبات خواهد رسید و شرایط برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاران و تجار و تداوم فعالیت‌های اقتصادی فراهم خواهد شد. از طرف دیگر در شرایط پسابرجام، هزینه مبادلات در تجارت خارجی کشور به دلیل افزایش قدرت چانه‌زنی، کاهش تعداد واسطه‌ها و امکان واردات و صادرات به طور مستقیم، کاهش دفعات تبدیل ارزی و کاهش هزینه خدمات تجاری کاهش خواهد یافت. کاهش هزینه مبادله در فصول بعد، علاوه بر اینکه به عاملی برای رشد اقتصادی تبدیل خواهد شد، تأثیر کاهنده تورم وارداتی را بر نرخ تورم تقویت خواهد کرد و از این جهت در تخفیف اثرات تورمی احتمالی ناشی از یکسان‌سازی نرخ ارز مؤثر خواهد بود. علاوه بر این در حال حاضر واردات بسیاری از کالاها از دریافت ارز مبادله‌ای محروم بوده و به این ترتیب زمینه برای کاهش اثرات تورمی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بیش از هر زمان دیگر فراهم شده است. اما در

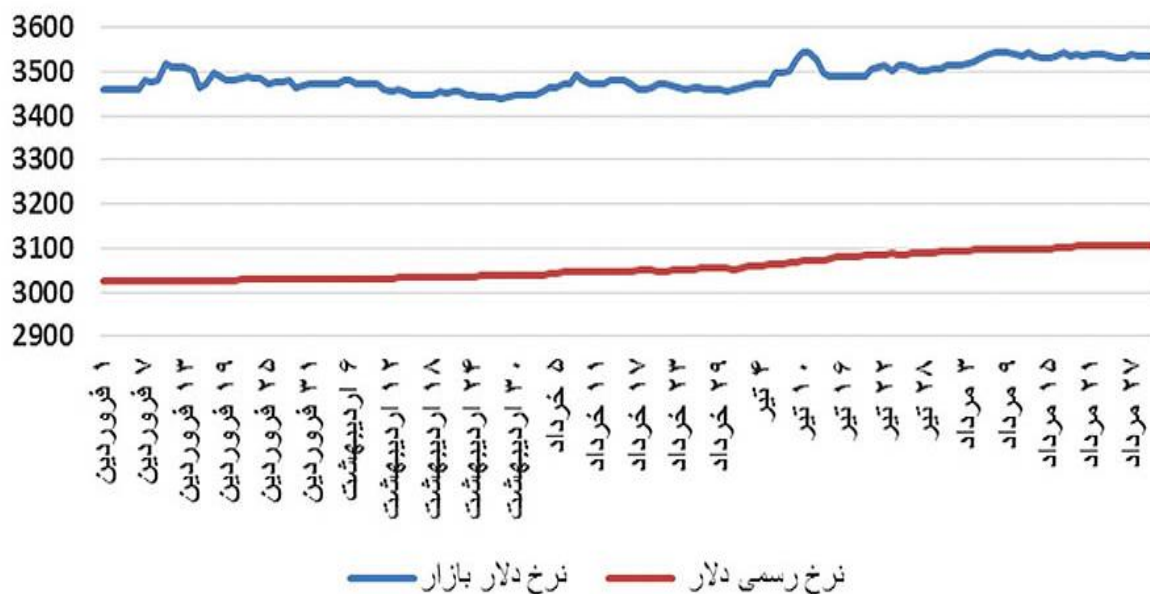
^۲- مجتهد، احمد. چالش‌های یکسان‌سازی نرخ ارز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۸۳۴، ۲۰/۰۵/۱۳۹۵.

هر صورت کنترل اثرات تورمی ناشی از اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز متضمن تداوم سیاست‌های انقباضی گذشته دولت در زمینه کنترل تورم است.

۳-۵- مدیریت کارآمد نوسانات نرخ ارز

مسئله مهمی که در اینجا مطرح است همانا اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب و تعیین مسیر بهینه برای جهت‌دهی به نرخ ارز بهینه و مناسب برای اقتصاد است. در این زمینه باید بین نرخ‌های موقت تعادلی ارز و نرخ‌های بهینه ارز تفاوت قائل شد و به جای نرخ‌های اغلب گمراه‌کننده رایج در بازار رسمی و غیررسمی بر نرخ‌های بهینه‌ای متمرکز شد که با اهداف بلندمدت اقتصادی نظیر رشد پایدار، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و حفظ اشتغال سازگار باشد. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مخصوصاً سیاست‌های تعیین نرخ ارز باید همواره به قابلیت دوام این سیاست‌ها توجه کرده و از مقطعی بودن و نوسان‌پذیری آن جلوگیری نمود. لذا تعیین یک نرخ مناسب و بهینه برای ارز مستلزم توجه به اولویت‌های سیاستی صحیحی است که از جانب سیاست‌گذار و با توجه به اقتضات بلندمدت اقتصادی تعیین خواهند شد. بنابراین به منظور افزایش رفاه بلندمدت اقتصادی جامعه، سیاست‌های ارزی ضمن اینکه باید از حالت تبعی بودن (جبران ناکارآمدی سایر سیاست‌های اقتصاد کلان) خارج شوند، ضروری است که با سایر سیاست‌های هماهنگ و مکمل اقتصادی نیز همراه شده تا اهداف سیاست‌های ارزی به نحو مناسبی تحقق یابند. به هر حال شواهد موجود حکایت از موفقیت دولت در زمینه مدیریت کارآمد نوسانات نرخ ارز دارد که این مهم باید در دوران پس از یکسان‌سازی نرخ ارز نیز ادامه یابد.

نمودار ۲: روند بهای دلار مبادله‌ای و بازار در سال پنج ماهه ابتدایی



۴-۵- انضباط مالی دولت و کاهش کسری بودجه

همان طوری که گفته شد یکی از اثرات احتمالی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز وقوع پدیده تورمی می‌باشد که بر حسب بخش‌های مختلف اقتصادی و بسته به ترکیب واردات باعث ایجاد تورم بخشی و در نهایت افزایش شاخص بهای مصرف‌کننده خواهد شد. در چنین شرایطی همچنان که نقش نهاد سیاست‌گذار پولی در کنترل نقدینگی و حجم پول از اهمیت برخوردار است دولت نیز باید در رعایت انضباط مالی و کاهش حداکثری کسری بودجه اهتمام ورزد. بروز پدیده کسری بودجه و در نتیجه تامین مالی کسری بودجه از طریق افزایش پایه پولی و یا افزایش نرخ‌های مالیاتی در نهایت ممکن است به اثرات تورمی ناشی از اجرای سیاست مذکور دامن زده و در نتیجه هزینه تحمیلی بر اقتصاد را افزایش دهد. بنابراین رعایت انضباط مالی دولت باید همزمان با سیاست‌های مالی، پولی و تجاری سازگار با سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در دستور کار قرار گیرد.

۵-۵- برقراری روابط کارگزاری و بانکی بین‌المللی

یکی از شرایط موفقیت و تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز فراهم آمدن شرایط زیرساختی مناسب در این زمینه است. برقراری روابط کارگزاری با بانک‌های خارجی به منظور نقل و انتقال سریع و آسان منابع ارزی در دسترس از جمله این شرایط است. برقراری روابط کارگزاری با بانک‌های خارجی مخصوصاً بانک‌های تراز اول جهان می‌تواند مدیریت عرضه و تقاضای ارز در بازار داخلی را در مواقع بروز نوسانات در بازار ارز تقویت نموده و به این ترتیب هدایت نرخ ارز در قالب «نظام ارزی شناور مدیریت شده» در محدوده مورد نظر امکان‌پذیرتر خواهد شد.

۵-۶- ایجاد بازار متشکل ارز

بی‌تردید اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز مستلزم دستیابی به ساختار بازار متناسب با آن است تا همانند هر بازار دیگری نیز بازیگران و فعالان اقتصادی در این بازار به تبادل آزادانه ارز مبادرت ورزند. فراهم کردن بازاری کارا در این زمینه باید به عنوان یکی از الزامات اساسی مورد توجه نهاد سیاست‌گذار قرار گیرد. دستورالعمل اخیر بانک مرکزی ج.ا.ا. در خصوص جواز بانک‌ها به خرید و فروش ارز در بازار آزاد می‌تواند به عنوان گامی مهم در این زمینه تلقی شود که بر این اساس بانک‌ها مجاز خواهند بود بر حسب نیاز و با توجه مدیریت جریان وجوه ارزی و کنترل ریسک خود اقدام به تامین منابع ارزی مورد نیاز خود و مشتریان نموده و منابع ارزی مازاد خود را در این بازار عرضه نمایند. در گام بعدی شاید راه‌اندازی بورس ارز بتواند شرط مذکور را بیش از گذشته محقق نماید و به این ترتیب ایجاد چارچوبی برای مبادلات ارزی تا حد زیادی خواهد توانست نقش سفته‌بازان را که در اغلب مواقع باعث تشدید نوسانات بازار ارز می‌شوند کاهش دهد و زمینه موفقیت و تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز فراهم کند. این امر همچنین می‌تواند به محدود کردن صرافی‌ها و بازگرداندن آنها به معاملات خرید نیز کمک نماید.

۶- تجربه دیگر کشورها در اتخاذ سیاست‌های ارزی

امروزه و در جریان رقابت در عرصه تجارت خارجی، استراتژی جلوگیری از تقویت غیرواقعی پول ملی در برابر سایر ارزهای خارجی و در پاره‌ای موارد تضعیف ارزش پول ملی با هدف افزایش صادرات به یکی از ابزارهای اقتصادی کشورهای بزرگ و حتی توسعه‌یافته در عرصه رقابت بین‌المللی تبدیل شده است به نحوی که استفاده از این سیاست ضمن کمک به توسعه صادرات، زمینه رشد اقتصادی آنها را نیز فراهم نموده است. از جمله این کشورها می‌توان به چین اشاره نمود. اقدامات این کشور در طول سال‌های گذشته در زمینه تضعیف پول ملی خود و در نتیجه تلاش برای گسترش صادرات کالاهای ساخت این کشور به سایر نقاط جهان به یکی از مباحث چالش‌برانگیز بین قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل شده بود. از جمله تجربه‌های اخیر دیگر می‌توان به تجربه کشور ژاپن اشاره نمود. به دنبال بحران زمین‌لرزه اخیر که در کشور ژاپن به وقوع پیوست، استراتژی تضعیف ین ژاپن به عنوان راهی برای برون‌رفت سریع‌تر اقتصاد این کشور از خطر کاهش رشد اقتصادی به صورت آگاهانه توسط سیاست‌گذاران اقتصادی این کشور مورد استفاده قرار گرفت. در ادامه به نمونه‌هایی از تجربه تضعیف عامدانه پول ملی در کشورهای مختلف اشاره خواهد شد.

ویتنام

اقتصاد ویتنام که رشد حیرت‌آوری در خلال سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰ را تجربه نمود، در سال ۲۰۰۸ شاهد روندی کاهشی در رشد اقتصادی بود که رکود جهانی نیز این روند کاهشی را شدت بخشید. این کشور در سال ۲۰۰۸ با دو مشکل عمده اقتصاد کلان یعنی کسری تراز تجاری و تورم مواجه گشت. به این ترتیب، ویتنام در سال ۲۰۰۸ به‌منظور بهبود بخشیدن به تراز تجاری خود اقدام به تضعیف پول ملی خود یعنی دانگ^۳ نمود و بانک مرکزی این کشور با هدف افزایش صادرات این کشور و کاهش کسری تراز تجاری از سال ۲۰۰۸ طی چندین مرحله، دانگ را تضعیف نموده

^۳Dong

است. همچنین این کشور جهت حل معطل تورم که اعتماد مردم را به دانگ کاهش داده و سبب افزایش تمایل نگهداری دلار و طلا در میان مردم ویتنام شد، اقدام به افزایش نرخ بهره نمود.^۴

چین

یکی از معروفترین مثالهای تضعیف عامدانه پول ملی، تجربه کشور چین است. این کشور از اواخر دهه ۸۰، نرخ برابری یوان در برابر دلار را ثابت نگاه داشته بود. هدف این کشور از تضعیف پول ملی افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی در این کشور بوده است. اما فرآیند ادامه‌دار تضعیف پول ملی در این کشور که از اوایل دهه ۹۰ آغاز شد، علاوه بر اثر مستقیم آن که افزایش صادرات از محل افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای داخلی است، اثر غیرمستقیم معنی‌دارتری داشته است که همان هجوم سرمایه‌های خارجی صادرات‌محور در این کشور می‌باشد. برای مثال، در خلال سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۲ صادرات چین بیش از سه برابر افزایش یافت، یعنی از رقم ۸۵ میلیارد دلار به ۲۶۶ میلیارد دلار رسید. بیشترین دلیل این رشد چشمگیر صادرات، تاسیس شعب چینی شرکت‌های بزرگ چندملیتی بوده است. همچنین در همین مدت صادرات شرکت‌های چینی که موفق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی شده بودند، نیز بیش از ۷۵ برابر رشد داشته و از رقم ۱/۷۴ میلیارد دلار به رقم ۱۳۳/۲۴ میلیارد دلار رسیده است. به این ترتیب، رشد دو رقمی صادرات کشور چین در دو دهه اخیر بیشتر از آنکه مدیون افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای داخلی این کشور در نتیجه تضعیف پول ملی باشد، به جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با هدف صادرات مرتبط می‌باشد که آن نیز به نوعی بازخورد غیر مستقیم تضعیف یوان است.

یافته‌ها حاکی از آن است که رشد سریع صادرات این کشور ناشی از دو عامل است: الف- جذب سرمایه‌های خارجی صادرات‌محور ناشی از فعالیت‌های برون‌سپاری شرکت‌های چندملیتی در این کشور، ب- تضعیف یوان که قدرت رقابتی کشور چین را در جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی افزایش داده و منجر به هدایت فعالیت‌های برون‌سپاری شرکت‌های بزرگ به این کشور شده است.^۵ همچنین سیاست تثبیت نرخ برابری یوان در برابر دلار، موجب به‌وجود آمدن عدم توازن قابل توجهی در تجارت میان چین و آمریکا -که دومین بازار صادراتی چین بعد از خاورمیانه است- شده است. به‌عبارت دیگر افزایش قابل توجه صادرات چین سبب شده است که این کشور از مازاد تراز تجاری چشمگیری برخوردار باشد و آمریکا از کسری تراز تجاری قابل توجهی که ناشی از تجارت با چین است، رنج می‌برد. به همین علت، در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ فشارهای زیادی از سوی آمریکا بر چین وارد شد تا این کشور پول ملی خود را تقویت نماید.^۶

آمریکا و انگلستان

آمریکا و انگلستان نیز به عنوان دو کشور که ارزهای مستقل از یکدیگر دارند، هر دو از دو مشکل بزرگ رنج می‌برند که عبارتند از کسری حساب جاری و کسری بودجه قابل توجه. از سوی دیگر، اتخاذ سیاست ریاضت اقتصادی از سوی این دو کشور که به منظور حل مشکل کسری تراز مالی در نظر گرفته شده است، تنها موج بدهی‌ها را از بخش دولتی به بخش خصوص سوق خواهد داد. در این راستا، کاهش نرخ برابری پول ملی این دو کشور در برابر یوان، به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های گذار این دو کشور به سمت مازاد تراز تجاری و حل مشکل بدهی در سال‌های گذشته بوده است. لازم به ذکر است که این دو کشور جهت تضعیف پول ملی خود در برابر یوان، مستقیماً در بازار ارز دخالت نکردند بلکه اجرای برنامه‌های تسهیل مقداری^۷ در این کشورها سبب شد که نرخ برابری ارز این کشورها در برابر یوان افزایش یابد. در سال ۲۰۱۰، در حالی که شرکای تجاری آمریکا که در روابط تجاری خود با این کشور دارای مازاد تجاری بودند سعی در حفظ این مازاد از طریق تضعیف پول ملی خود داشتند، آمریکا قانون اصلاحات ارزی جهت تجارت منصفانه^۸ را تصویب نمود. در این قانون که توسط مجلس ایالات متحده آمریکا تصویب شده است، برای کشورهایی که در روابط تجاری خود با آمریکا به‌دنبال کسب مزایای رقابتی غیرمنصفانه از طریق اقداماتی نظیر دستکاری در نرخ ارز هستند،

⁴Purkayastha, D., Swarna, H., Gonela, S., (2011). "Vietnamese Dong Devaluation: Securing the Future with a Weaker Currency?" IBS Center for Management Research.

⁵Zhao, L. and Yuqing Xing, (2006). "Global Production and Currency Devaluation", Research Institute of Economics & Business, Kobe University, Japan,

⁶<http://www.sendmoneyindia.org/what-is-currency-devaluation.php>

⁷Quantitative Easing Programs: به معنی خرید اوراق قرضه دولتی یک کشور توسط بانک مرکزی همان کشور است (سیاست انبساطی) و عملاً عرضه پول جدید تلقی می‌شود.

⁸Currency Reform for Fair Trade

تعرفه‌های تجاری تنبیهی در نظر گرفته شده است. به این ترتیب در جنگ ارزی که در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد، آمریکا در اواخر اکتبر بسته پیشنهادی را به شرکای تجاری خود معرفی نمود که در آن همه کشورها می‌بایست در سیاست‌های تجاری خود مازاد تجاری حداکثر ۴ درصدی را در نظر می‌گرفتند. این کشور، شرکای تجاری که از مازاد تراز تجاری ناشی از تجارت با آمریکا نفع می‌بردند و در عین حال سعی در پایین نگه داشتن ارزش پول ملی خود در برابر دلار بودند (چین، ژاپن، کره، تایلند و سوییس) را تهدید به اجرای سری دوم از سیاست تسهیل مقداری نمود. بنابراین به نظر می‌رسد که دولت آمریکا از برنامه‌های یاد شده به‌عنوان ابزاری جهت دخالت غیرمستقیم در بازار ارز در برابر شرکای تجاری خود و در راستای بهبود تراز تجاریش استفاده کرده است.

ژاپن

ژاپن تا قبل از زلزله اخیر از مازاد تراز جاری قابل توجهی برخوردار بود. این کشور در طول سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ اجازه داد که پول ملی یعنی ین تقویت گردد. اما این کشور به علت مشکلاتی از قبیل جمعیت مسن، بدهی عمومی بالا (بدهی خالص این کشور بالا نیست، چراکه از پس‌انداز خصوصی بالایی برخوردار است) و آسیب‌پذیری نسبت به تورم منفی توان مقاومت محدودی در برابر روند ادامه‌دار تقویت پول ملی داشت. به این ترتیب، این کشور در سپتامبر ۲۰۱۰، پول ملی خود را تضعیف نمود اما تنها چند هفته بعد، تحت تأثیر فشار بازار در جهت تقویت ین، این اقدام بانک مرکزی ژاپن خنثی گردید. به هر حال بعد از زلزله ماه مارس ۲۰۱۱ در این کشور، سایر کشورهای عضو G7 طی یک اقدام متحد به این کشور پیوستند و اقدام به فروش میلیاردها ین نمودند تا فشارهایی در جهت عکس خواسته سوداگران که خواهان تقویت بیشتر ین بودند وارد نموده و پول ملی این کشور را تضعیف نمایند. این اقدام با هدف افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاها صادراتی ژاپن با استفاده از ابزار نرخ ارز در شرایط بحرانی کنونی این کشور انجام گرفته است.

۷- نتیجه‌گیری

نتایج تحقیقات بین‌المللی و همچنین بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که ترکیب نظام ارزی شناور مدیریت شده با هدف‌گذاری تورمی و سیاست‌های مکمل دارای ویژگی‌های مطلوبی است که انتخاب آن را توجیه‌پذیر می‌کند. هر چند تجویز یک سیاست خاص برای تمام دوران‌ها ممکن است عملی نباشد اما سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در قالب نظام ارز شناور مدیریت شده این امکان را برای اقتصاد فراهم می‌کند تا به اهداف رشد مناسب و تورم کنترل شده دست یابد. شواهد موجود در خصوص سیاست ارز چند نرخ و یا سیاست تثبیت نرخ ارز حاکی از بروز زمینه‌های فسادزا، تخصیص غیر بهینه منابع ارزی، تضعیف توان رقابت‌پذیری صادرات و افزایش واردات است که در نهایت به دنبال بروز نوسانات شدید ارزی، مشکلات زیادی را نیز برای اقتصاد کشور به وجود آورد.

بنابراین گذار به نظام ارز شناور مدیریت شده و یکسان‌سازی نرخ ارز امری اجتناب‌ناپذیر است تا در قالب آن بتوان هم به تشویق صادرات کمک کرد و هم با فراهم آوردن چشم‌اندازی باثبات از بازار ارز زمینه را برای تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به فعالیت در محیطی پایدارتر و شفاف‌تر فراهم نمود. اگر چه برآوردهای دقیقی از آثار تورمی اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز وجود ندارد (به علت اینکه نرخ ارز پس از اجرای سیاست مشخص نیست) اما با توجه به اینکه در حال حاضر بخش زیادی از کالاهای وارداتی مشمول دریافت ارز مبادله‌ای نیستند و پس از اجرای توافق هسته‌ای نیز هزینه‌های مبادلاتی ناشی انجام تجارت خارجی از کانال‌های غیر رسمی تا حد زیادی کاهش یافته است لذا انتظار می‌رود که اثرات تورمی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز قابل توجه نباشد. ضمن اینکه باید به این نکته توجه نمود که تورم مذکور تورمی پایدار نبوده و بخش اعظم این تورم تنها محدود به سال اجرای سیاست خواهد بود.

بی‌تردید تغییر نگاه به مقوله نرخ ارز و تعدیل نرخ ارز واقعی با شاخص تورم داخلی و جهانی در کنار اجرای سیاست‌های کنترل تورم، انضباط مالی دولت و سیاست‌های بهبود فضای کسب و کار می‌تواند ضمن تقویت توان رقابتی تولیدات داخلی در برابر واردات و همچنین تشویق صادرات، به تخفیف اثرات تورمی ناشی از افزایش قیمت کالاهای وارداتی نیز بینجامد. به هر حال در کنار مجموعه این شرایط موفقیت و تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز مستلزم فراهم نمودن شرایطی مکمل دیگر از جمله دسترسی به منابع ارزی کافی، کنترل نرخ تورم، مدیریت کارآمد نوسانات نرخ ارز، انضباط مالی دولت و کاهش کسری بودجه، برقراری روابط کارگزاری و بانکی بین‌المللی و ایجاد بازار متشکل ارز می‌باشد که باید مود توجه نهاد سیاست‌گذار قرار گیرد.

فهرست منابع:

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، سال‌های مختلف (۱۳۸۹-۱۳۹۴).
- بهدار، علی. «نظام‌های ارزی: دسته‌بندی، شناسایی و آثار اقتصادی»، پایگاه مقالات علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹۴.
- سازمان توسعه تجارت ایران، مجموعه گزارشات عملکرد تجارت خارجی کشور، سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۲.
- زمان‌زاده، حمید. «مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران»، مجله تازه‌های اقتصاد، پژوهشکده پولی و بانکی، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹، صص ۴۸-۴۱.
- عسگری، منصور، «اثر نوسانات نرخ واقعی ارز بر عملکرد صادرات صنایع منتخب ایران»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۶.
- «فرصت سوزی در سیاست ارزی»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۸۴۵، ۱۳۹۵/۰۶/۰۲.
- مدنی‌زاده، سید علی و سجاد ابراهیمی. «اثر تغییرات نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی، بررسی گذر نرخ ارز»، بیست و پنجمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۴.
- مجتهد، احمد. چالش‌های یکسان‌سازی نرخ ارز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۸۳۴، ۱۳۹۵/۰۵/۲۰.
- مجرد، محمد جعفر. «یکسان‌سازی نرخ ارز»، بیست و پنجمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۴.

International Monetary Fund; World Economic Outlook Databases 2016 (WEO).

Purkayastha, D., Swarna, H., Gonela, S., (2011). "Vietnamese Dong Devaluation: Securing the Future with a Weaker Currency?" IBS Center for Management Research.

Rajan, Ramkishan S. (2010), "The Evolution and Impact of Asian Exchange Rate Regimes", *ADB Economics Working Paper Series*, Asian Development Bank, July 2010.

, Research Institute "Zhao, L. and Yuqing Xing, (2006). "Global Production and Currency Devaluation of Economics & Business, Kobe University, Japan.